فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
سال هجدهم/ شماره هفتاد و دوم/ تابستان ۱۴۰۳
مشرق موعود
ISSN:2423-7663

تبیین نقش اندیشهٔ مهدویت در جهت دادن به آرمان‌های نسل جوان*

سیدمسعود پورسیدآقایی[۱]
احمد افتخاری اکمل[۲]

چکیده

آرمان‌خواهی یکی از برجسته ترین ویژگی‌های جوانان شمرده می‌شود. وجود موانع مختلف و فراهم نبودن شرایط کافی در عصر کنونی سبب شده است؛ جوانان با معیارهای آرمان‌های واقعی، آشنایی کافی نداشته باشند. از این رو جوان امروزی باید با معیار تشخیص آرمان‌های واقعی آشنا بوده و برای تحقق آنها، نقش‌آفرینی کند. در این نوشتار که با روش توصیفی ـ تحلیلی نگاشته شده است، بر آنیم که نقش آموزه مهدویت را در جهت‌دهی آرمان‌های واقعی نسل جوان تبیین نمائیم. جوان آرمان خواه است؛ اما آرمان‌خواهی او باید با شکلی مناسب و جهتی درست، سرعت رسیدن جوان به قله‌های سعادت را تنظیم نماید. اندیشه مهدویت از بالاترین ظرفیت‌ها برای جهت دادن به آرمان‌خواهی نسل جوان برخوردار است. ظرفیتی که می‌تواند بذر بالاترین آرمان‌ها را دردل جوانان بیفشاند و این بذر را در مناسب‌ترین زمان ممکن و با بهترین شیوه‌ها رشد داده، ثمرهای بی‌نظیر و فراوان آن را به دیگران معرفی نماید. آرمان‌ها اگر در کارگاه مهدویت رنگ‌آمیزی شوند، در تمامی عرصه های زندگی یک جوان اثرگذار خواهند بود؛ در عرصهٔ بینش‌ها، معرفت یک جوان را با جهشی بی‌نظیر مواجه خواهد کرد. چنان‌که در عرصهٔ انگیزشی، انگیزه‌های لازم برای تلاش و تکاپو را به جوانان ارزانی خواهند کرد. تنها این اندیشه است که می‌تواند، تمامی اعمال یک جوان را در مسیر هدایت قرار داده و از هر جهت سعادت دنیا و آخرت او را تأمین و تضمین نماید. آرمان‌سازی مطلوب، جهت‌دهی مطلوب، شکل‌دهی صحیح، سرعت‌بخشی، امیدآفرینی، انگیزه‌سازی و رفتارآفرینی از جمله مواردی هستند که این آموزه به خوبی می‌تواند در آنها نقش‌آفرین باشد.

واژگان کلیدی

آرمان‌خواهی، نسل جوان، جهت‌دهی، آرمان مطلوب، نقش‌آفرینی.

---

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۲

۱. استاد حوزهٔ علمیهٔ قم.
۲. سطح چهار مهدویت مرکز تخصصی موعود حوزهٔ علمیهٔ قم.

مقدمه

بشر از همان روز نخست آرمان‌هایی را برای زندگی خود ترسیم می‌کرده و برای دستیابی به آن آرمان‌ها از تمامی امکانات و ابزارهای موجود در اطراف خویش بهره می‌گرفته است. جوانان به دلیل خصوصیات ویژه جسمی و روحی، بیش از دیگران نیازمند مواجهه صحیح و عقلانی با آرمان‌خواهی هستند. این عزیزان از یک سو با طوفان غرایز و شهوات مواجهند و از سوی دیگر رشد جسمانی و عقلانی، آنها را در معرض بزرگ‌ترین انتخاب عمر قرار داده است. این عزیزان ناگزیر باید آرمانی را برای خود انتخاب نمایند. آرمانی که می‌تواند تمامی ابعاد زندگی آنها را تحت تأثیر خود قرار دهد. آرمانی که می‌تواند آینده آنها را تأمین و تضمین نموده و انگیزهٔ کافی برای حرکت و تلاش را به آنان ارزانی نماید. جوان با توجه به اختیارش می‌تواند آرمانی اشتباه انتخاب نماید؛ آرمانی که یأس و ناامیدی را در رگ‌های وجودش بدمد و انگیزه حرکت را در اعضا و جوارحش بخشکاند. از سوی دیگر آرمان‌خواهی موتور متحرک جامعه و فرد است و می‌تواند روح بی‌تفاوتی را در قلب یک جامعه، بخشکاند. به عبارت دیگرحیات جامعه در سایه آرمان‌های آن جامعه شکل می‌گیرد و نبود آرمان مطلوب و اثرگذار، برای مرگ و گمراهی آن جامعه کافی است.

نسل جوان آرمان‌خواه است ولی وجود این ویژگی در نهاد بشر برای سعادت و یا شقاوت وی کافی نیست. اگر بشریت با معیار آرمان‌های مطلوب آشنایی کافی داشته باشد و بتواند این نیروی عظیم را در وجود خویش به نحوی مطلوب مدیریت نماید؛ دریچه‌های هدایت و سعادت به رویش باز شده و می‌تواند با انگیزه‌ای مطلوب و کافی پله‌های سعادت و کمال را در مناسب‌ترین زمان طی نماید.

در زمینهٔ عنوان این مقاله پژوهشی صورت نپذیرفته است اما؛ در خصوص آرمان‌شهر مهدوی کتاب محمد سلمان و همچنین کتاب‌ها و مقالات متعددی نگاشته شده است.

اندیشهٔ مهدویت تمامی معیارها برای یک آرمان مطلوب را در خود جا داده است. این اندیشهٔ متعالی ظرفیت‌های فراوانی در خصوص نقش‌آفرینی در حوزه‌های مختلف دارد؛ آرمان‌سازی مطلوب، جهت‌دهی مطلوب، شکل‌دهی صحیح، سرعت‌بخشی، امیدآفرینی، انگیزه‌سازی و رفتارآفرینی از جمله مواردی هستند که این آموزه به خوبی می‌تواند در آنها نقش‌آفرین باشد.

مقایسهٔ آرمان‌های یک جوان منتظر با یک جوان غرب‌گرا می‌تواند آرمان‌های اندیشهٔ مهدویت و همچنین آرمان‌های فرهنگ غرب را برای نسل جوان به خوبی ترسیم نماید.

آرمان‌های یک فرهنگ است که می‌تواند شاخص‌های اصلی آن فرهنگ و ثمرات آن را به خوبی تبیین نماید. آرمان‌ها قله‌های مطلوب و آرزوهای دست‌یافتنی در ذیل یک فرهنگ را برای همگان ترسیم می‌نمایند. و این جوان انتخابگر است که می‌تواند از راه دیدن قله‌ها و آرمان‌ها و با شناخت معیار آرمان‌های مطلوب، و همچنین با شناخت بالاترین آرمان قابل دسترسی، به آرمان‌خواهی خود جهتی مطلوب بخشیده، مدیریت علمی و عملی این خصوصیت ارزشمند را در سایهٔ اندیشه مترقی مهدویت به دست گیرد.

مفهوم‌شناسی

تعریف جوانی

دستیابی به تعریف یگانه برای جوان و جوانی و به ویژه بیان دقیق دورهٔ سنی آن در منابع اسلامی و روان‌شناسی و تربیتی، بسیار دشوار است و جمع کردن میان آنها دشوارتر. با این حال، دوره‌های تربیت را این‌گونه دسته‌بندی کرده‌اند: نوزادی، کودکی، نوجوانی و جوانی. در این میان محدودهٔ سنی جوانی ۱۶ تا ۲۰ سال است. البته برخی ۲۰ تا ۳۰ سال و گروهی نیز ۱۵ تا۲۰ سال را دورهٔ جوانی دانسته‌اند. با این حال قطع‌نامهٔ عمومی سازمان ملل متحد، واژهٔ جوان را برای سن ۱۸ تا۲۴ سال برگزیده است. با درنظر گرفتن آنچه از تفسیر آیات و روایات مربوط به جوانی و نظریه‌های روان‌شناسی به دست می‌آید، جوان را می‌توان این‌گونه تعریف کرد:

> جوانی، مرحله‌ای بی‌بدیل از عمر انسان است که پس از پایان دورهٔ نوجوانی؛ یعنی از ۱۶ سالگی آغاز می‌شود و پیش از دورهٔ بزرگسالی در حدود ۲۴ سالگی، پایان می‌یابد. مراد ما از جوانی در این نوشتار بین ۱۶ تا ۲۹ سال است، یعنی همان تعریفی که سازمان ملی جوانان و از جوانی ارائه کرده است. شرایط و ویژگی‌های خاص دورهٔ جوانی، آن را از دیگر دوره‌ها جدا می‌سازد(ر. ک: غفوری، شریعتی:۱۳۸۷ش: ۱۴).

مفهوم آرمان در لغت و اصطلاح

تعریف آرمان‌خواهی

نخست باید مراد از آرمان‌خواهی را بیان نمائیم. برای آرمان‌خواهی چه در لغت و چه در اصطلاح تعریف‌های متعددی ذکر شده است:

> آرمان در لغت عبارت است از تصوراتی که برای ساختن جنبه‌های گوناگون زندگی مطلوب در ذهن انسان‌هاست؛ آنچه باید باشد و به آن می‌اندیشیم، کمال مطلوب، ایده آل(انوری، ۱۳۸۱ش: ۸۳).

از میان تعریف‌های اصطلاحی آرمان به دو تعریف اشاره می‌نماییم:

مفهوم آرمان‌ها عبارت است از مجموع ارزش‌هایی (با جهات اخلاقی اندیشه‌ای، اجتماعی، زیباشناختی) که در یک جامعه در برابر سوداها و هیجان‌ها و نادانی‌ها و یا منافع مادی قرار می‌گیرند (بیرو، ۱۳۸۰ش: ۱۶۶).

آرمان‌خواهی بی‌اعتبار دانستن و در نتیجه کم‌توجهی به ساختارهای فکری و گفتمان حاکم در سطح کشور، منطقه و جهان است که به علت داشتن گفتمان و جهان‌بینی مغایر با «شرایط موجود» نظیر پیروی از احساس انجام یک رسالت و جهاد برای تحقق آن حاصل می‌شود (غفوری، شریعتی: ۱۳۸۷ش: ۱۴).

هیچ کدام از این دو تعریف نمی‌توانند مراد ما از آرمان‌خواهی نسل جوان را تبیین نمایند چرا که در تعریف اول آرمان‌ها غیر از امور مادی تلقی شده‌اند در صورتی که می‌توان برای نسل جوان آرمان‌هایی مادی نیز در نظر گرفت. و در تعریف دوم نیز کم‌توجهی به ساختار حاکم بر یک کشور آرمان‌خواهی دانسته شده است در حالی که ممکن است ساختار فکری و گفتمان حاکم بر یک کشور درست باشند و از جهاتی نیازمند ارتقاء باشند بنابراین، بی‌توجهی به گفتمان رایج در سطح کشور نمی‌تواند تعریفی جامع از آرمان‌خواهی جوانان ارائه دهد.

با توجه به نکته‌های ذکر شده لازم است به تبیین مراد خویش از آرمان‌خواهی در این مقاله بپردازیم:

آرمان‌خواهی یعنی ترسیم برترین‌ها و قله‌ها در مسیر حیات واقعی و تلاش برای یافتن بهترین راه‌حل‌ها برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی به نحوی که بالاتر از آن برای انسان ـ با توجه به استعدادهایش ـ ممکن نباشد. و این بالاترین‌ها همان نگاه به واقعیت‌هاست به عبارت دیگر آرمان‌خواهی یعنی واقعیت‌های مثبت را بشناسید و از آنها به بهترین صورت، استفاده نمائید هم‌چنان‌که آرمان‌خواهی بعد دیگری نیز دارد یعنی؛ باید واقعیت‌های سلبی و منفی را شناخت و با آنها مقابله کرد. این مطلب به خوبی از فرمایش مقام معظم رهبری در این زمینه استفاده می‌شود:

اولین فریضهٔ دانشجویی عبارت است از آرمان‌خواهی. یک عده‌ای تبلیغ می‌کنند و وانمود می‌کنند که آرمان‌خواهی مخالف واقع‌گرایی است؛ نه آقا، آرمان‌خواهی مخالف محافظه‌کاری است، نه مخالف واقع‌گرایی. محافظه‌کاری یعنی شما تسلیم هر واقعیتی ـ هرچه تلخ، هرچه بد ـ باشید و هیچ حرکتی از خودتان نشان ندهید؛ این محافظه‌کاری است. معنای آرمان‌گرایی این است که نگاه کنید به واقعیت‌ها و آنها را

درست بشناسید؛ از واقعیت‌های مثبت استفاده کنید، با واقعیت‌های سلبی و منفی مقابله کنید و مبارزه کنید. این معنای آرمان‌گرایی است(خامنه‌ای، بی‌تا: ج۳۷، ۲۶۰).

مفهوم اصطلاحی اندیشهٔ مهدویت

از نظر برخی پژوهشگران معاصر«اندیشهٔ مهدویت در اصطلاح اسلامی یعنی؛ خوش فرجامی بشریت در پایان تاریخ در پرتو ظهور امام مهدی علیه‌السلام »(الهی‌نژاد، ۱۳۹۵ش: ۳۱). برخی دیگر از پژوهشگران در تعریف مهدویت چنین نگاشته‌اند:

> مهدویت عبارت است از همه علوم و معارفی که به امام دوازدهم حضرت مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و ظهور ایشان به عنوان نجات‌بخش آیندهٔ بشریت مربوط می‌شود با این تعریف گستره مباحث مهدویت نیز روشن شده و شامل همه موضوعاتی می‌شود که با شخص و شخصیت امام مهدی علیه‌السلام مرتبط است و مباحث امامت، مسائل دوران غیبت و ظهور و نجات بخشی ایشان، و تمامی مباحث مهدوی مرتبط با حوزه اخلاق، تربیت، فرهنگ، اقتصاد و سیاست را دربر می‌گیرد(جعفری، ملایی: ۱۴۰۰ش: ۲۸).

این دو تعریف نمی‌توانند مراد ما از اندیشهٔ مهدویت را در این مقاله تبیین نمایند. چرا که در تعریف نخست«خوش فرجامی بشر» بیانگر اندیشهٔ مهدویت نیست و در تعریف دوم هم تمامی علوم و دانش‌های مرتبط با امام زمان مهدویت دانسته شده که این امر گویای اندیشهٔ مهدویت نیست، بلکه؛ علوم و دانش‌های مرتبط با آن را بررسی می‌کند مگر این‌که بگوئیم تعریف دوم به قدری عام و فراگیر است که اندیشه مهدویت را هم دربر می‌گیرد. به هر حال از آن جا که عنوان مقاله ما اندیشه مهدویت است لازم است به تبیین مراد خود از اندیشه مهدویت بپردازیم:

مهدویت؛ تنها اندیشه‌ای است که عمیق‌ترین بینش توحیدی را برای انسان تبیین نموده و بر پایه آن بینش، اهداف متعالی انسان را با توجه به استعدادها و ظرفیت‌های جسمی و روحی او به بهترین شکل ممکن ترسیم می‌نماید. این اندیشه برای رسیدن انسان به اهداف و آرزوهای مشروعش، رهبری معصوم را که واجد تمامی کمالات انسانی است، به وی معرفی نموده و برای تمامی مشکلات و گرفتاری‌های اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و معنوی، برترین راهکارها را ارائه می‌نماید.

ویژگی‌های نسل جوان

آرمان‌گرایی و سنت‌گریزی از مهم‌ترین ویژگی‌های نسل جوان شمرده شده‌اند. جوان

براساس گرایش‌های فطری خود به دنبال ایده‌آل و مطلوب می‌گردد. اما نکتهٔ اساسی در این‌جاست که بایستی آرمان مطلوب دینی برای جوان ترسیم شود و او نسبت به آن شناخت و معرفت یابد. در غیر این صورت به دنبال آرمان‌های کاذب خواهد رفت و عمر خویش را تباه خواهد نمود. بنابراین اگر آرمان جامعهٔ مهدوی به جوان خوب معرفی شود به دلیل تناسب و علاقه‌ای که به آرمان‌گرایی دارد به سرعت جذب آن می‌شود. به این ترتیب انتظار کشیدن برای آن جامعهٔ ایده‌آل و آرمان متعالی دینی برایش مطلوب و دلربا می‌گردد. علاقه جوان به آرمان‌گرایی شاید بی ارتباط با میل وی به آینده و آینده‌گرایی وی نباشد.

«هدف انسان را به فعالیت‌های متنوع وامی‌دارد و محرک انسان در جریان زندگی است. هدف زندگی و فعالیت‌های مربوط به آن را معنی دار می‌سازد و همین امر در ایجاد آرامش و سکون خاطر مؤثر است. فردی که در زندگی هدف معینی ندارد دلیل تلاش و کوشش خود را نمی‌داند. آینده روشنی ندارد و از این لحاظ در حال تزلزل و ناامنی بسر می‌برد زندگی برای چنین فردی بی‌معنی بی‌معنی و فاقد ارزش است چنین فردی دائما در حال افسردگی و یأس عمر خویش را سپری می‌سازد»(شریعتمداری، ۱۳۸۲ش: ۲۶۰).

از دیگر ویژگی‌های جوانی«سنت‌گریزی» است. جوان می‌کوشد از آنچه گذشتگانش در قالب سنت ارائه می‌دهند، گذر نماید. جوانی دورانی است که جوان در آن به وضعیت‌های موجود اعتراض می‌کند و به دنبال جایگزین‌های بهتر و برتر می‌گردد. به خاطر وجود همین خصلت دوران جوانی است که مدگرایی‌ها در دوران جوانی شکل می‌گیرد. زیرا جوان به دنبال نو شدن و تجربه های جدید و تازه است اگر در پاسخ اعتراض جوان به وضعیت‌های موجود و سنت‌های گذشته، اندیشه مهدویت به خوبی ترسیم گردد، می‌تواند حوزه‌های فکری ، گرایشی و رفتاری جوانان را با تحولی شگرف مواجه سازد. بدین ترتیب آرمان مهدویت، انتظار جوان برای جایگزینی سنت‌های گذشته را تأمین می‌نماید.

آرمان‌های جوان معاصر

برای آشنا شدن بیشتر با آرمان‌های جوان معاصر به مقایسه آرمان‌های یک جوان منتظر با جوان غربی می‌پردازیم و یادآوری می‌کنیم که ممکن است جوان غربی در مشرق زمین ساکن باشد و جوان منتظر در دل فرهنگ غربی با فرهنگ انتظار مأنوس باشد:

آرمان‌های یک جوان منتظر بسیار متفاوت از آرمان‌های یک جوان غربی است. آرمان‌های این دو با هم در بسیاری موارد تقابل دارند. از حیث روابط اجتماعی می‌توان این نوع تقابل را در نوع مهمان‌داری یک جوان منتظر با یک جوان غربی

مشاهده کرد. در مهمان‌داری غربی هرکس غذایی را با خود می‌آورد. و به اشتراک می‌گذارد و هرکس غذایی نیاورد باید پول پرداخت نماید. شخص غربی حاضر نیست برای دیگران بدون عوض، خدمتی بکند. در حالی که تربیت یافته مهدویت رسمش مهمان شدن نیست بلکه؛ رسمش برپا کردن مهمانی است؛ یعنی ایثار و از خود گذشتگی و انسانیت در آرمان مهدویت موج می‌زند در حالی که منطق غرب، منطق لذت‌گرایی بی‌حد و حصر است؛ آنها می‌گویند انسان تا می‌تواند باید از زندگی‌اش لذت ببرد. در این نگاه انسان‌ها مجموعه‌ای رو به نابودی اند که باید از فرصت حیات بیشترین لذت را ببرند و البته با خودخواهی مانع آسایش دیگران نشوند. اما مهدی‌باوران مرگ را پایان زندگی نمی‌دانند؛ آنها باید آرمانی داشته باشند که علاوه بر دنیا، زندگی پس از مرگ شان را نیز تأمین نماید. منطق لذت‌جویی در غرب آرمان‌هایی همچون دیسکو و کازینو را برای جوانان پیشنهاد می‌دهد. اما در جامعه آرمانی مهدوی منطق دین‌مداری و عقلانیت حاکم بر منطق لذت‌های مادی است. حتی گاهی ترک لذت، خود راه به سرخوشی و شادمانی می‌برد. انسان منتظر هنگامی که گناه را ترک می‌کند خود را محبوب خدا و امام عصر می‌یابد و به شادی و شعفی بی‌نظیر در این عرصه دست می‌یازد. شادی در قاموس منتظران غیر از شادی‌های کاذب حاصل از گناه و معصیت است که به فرموده امام علی علیه‌السلام گناه دارای شادی زودگذری است که به دنبال آن غم فراگیر وجود انسان را سرشار می‌نماید. و این امر برخلاف کارهای شایسته و ثواب است که بعد از سختی گذرا نشاطی مستمر و فراگیر وجود انسان را سرشار می‌نماید.[1] و این‌گونه است که شادی و نشاط در زندگی منتظر موج می‌زند. منتظری که سختی‌های رسیدن به قله را به جان خریده است. وی با خیالی آسوده بر بلندای قله معرفت و شناخت، ایثار و فداکاری، گذشت و مهمان‌نوازی، نشسته و سرشار از شور و نشاط و آرامش است. این در حالی است که انسان غربگرا با آرمان‌های ویرانگرش بعد از شادی‌های کاذب و زودگذر باید با قرص شماره پنج دیازپام خودش را با هزار درد سر، و با زحمت فراوان به دست خواب بسپارد. از این رو وی رنگ و روی آرامش روان را در خواب هم نظاره‌گر نخواهد بود. آرمان غربگراها با خوی راحت‌طلبی و رفاه و آرزوهای دراز و بی‌پایان، امری است سطحی و گذرا، بدون عقلانیت و شناخت، که بر پایهٔ لرزان بی‌بند و باری و لذت‌جویی و کام‌جویی‌های غیرشرعی بنا گردیده است. از آن‌جا که این آرمان با فطرت سازگار

۱. «قال شتان ما بین عملین عمل تذهب لذته و تبقی تبعته و عمل تذهب مئونته و یبقی أجره»(نهج البلاغة(صبحی صالح)، حکمت ۴۹۰).

نیست، نقشی مخرب در ساحت روح و روان جوان بر جای می‌گذارد. این نوع از آرمان‌ها ریشه تمام افسردگی هاو ناخوشی‌های روحی و روانی است(کافی، مرادی ده‌سرخی، ۱۳۹۸).

شاخصه‌های آرمان‌خواهی مطلوب

اندیشه مهدویت و انتظار فرج از ظرفیت‌های ویژه‌ای برخوردار است. تبیین درست این اندیشه می‌تواند حوزه بینشی جوانان را تحت تأثیر خود قرار داده و بهترین و والاترین آرمان‌ها را برای نسل جوان ترسیم نماید. بدون شناخت آرمان‌های والا، امکان انتخاب از اساس فراهم نیست. بنابراین گام نخست در حوزه بینشی این است که برترین و والاترین آرمان‌ها را به جوانان معرفی نمائیم. اگر حوزه علمیه و خادمان فرهنگی جامعه در این مسئولیت خطیر کوتاهی نمایند دیگران به معرفی آرمان‌های ویرانگر پرداخته و پائین‌ترین و پست‌ترین آرمان‌ها را به عنوان آرمان‌های ایده‌آل به جوانان عزیز معرفی نمایند. در این‌جا لازم است تا شاخصه‌های اصلی آرمان مطلوب را بیان و ثابت نمائیم که اندیشه مهدویت، تنها مکتبی است که این شاخصه‌ها در آن؛ از هر جهت در اوج قرار دارند.

الف) هدف متعالی

یک آرمان در صورتی مطلوب است که بهترین و کامل ترین هدف را برای انسان ترسیم نماید. به گونه‌ای که بالاتر از آن هدف برای انسان قابل تصور نباشد. اهداف ضعیف و ناقص نمی‌توانند آرمانی مطلوب را در برابر دیدگان جوان قرار دهند. اگر جوان نسبت به اهداف یک آموزه شناخت حاصل نماید، براحتی می‌تواند با آن آموزه ارتباط برقرار نموده، و از آن اهداف در راستای رسیدن خود و جامعه به سعادت بهره بگیرد. اهداف را باید با اهداف دیگر مکتب‌ها مقایسه کرد. این مقایسه قدرت عقلانی را در جوانان افزایش داده و فرصت بیشتری برای انتخاب صحیح در اختیار آنان قرار می‌دهد. البته مسلم است که انتخاب درست هدف به تنهایی کافی نیست اما چاره‌ای هم جز انتخاب درست اهداف نداریم؛ قام معظم رهبری در این خصوص چنین می‌فرماید:

وقتی شما هدف درستی را انتخاب می‌کنید و در راه آن هدف به تلاش می‌پردازید، خدای متعال در این‌جا وعدهٔ نصرت داده است؛ برو برگرد هم ندارد. یك وقت هست شما هدف و آرمان را غلط انتخاب کرده‌اید؛ یك‌وقت هست هدف و آرمان را درست انتخاب کرده‌اید، اما تحرکی ندارید و تلاش و مجاهدتی نمی‌کنید؛ این‌جا انتظار کمك الهی بی‌مورد است. مسلمانان اهداف و آرمان‌های‌شان اهداف و آرمان‌های خوبی

بود؛ اما قرن‌ها به‌خاطر این‌که تحرکی در آنها وجود نداشت، توسری خوردند. الان هم هر جایی که می‌بینید مسلمانان دچار تحقیر و تذلیل می‌شوند، به‌خاطر همین عدم تحرك و عدم مجاهدت است، والا آن جایی که هدف درست باشد، مجاهدت هم باشد، نصرت الهی هم قطعا هست. البته نصرت الهی به معنای این نیست که آزمایش‌های دشوار و سخت نیست؛ چرا: ﴿و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الأموال و الأنفس و الثمرات﴾(بقره: ۱۵۵)؛ اینها هست و همهٔ اینها در سر راه مبارزه وجود دارد؛ اما ﴿و بشر الصابرین﴾(بقره: ۱۵۵). صبر یعنی ایستادگی؛ تداوم راه؛ این مورد بشارت الهی است؛ یعنی پیروزی نصیب خواهد شد(حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸ش: ۱۲۷).

هدف‌ها را می‌توان با مقایسه استعدادها و قدر انسان و با توجه به نیازهای او نقد زد(عین صاد، ۱۳۹۳ش: ج۱، ۳۳). مکتب انسان‌ساز مهدوی تنها حقیقتی است که از استعدادهای حقیقی انسان آگاهی داشته و از مقام و منزلت انسان و نیازهای او باخبر است بر این اساس هیچ مکتبی توان نقد این مکتب را نخواهد داشت.

اگر در انتخاب اهداف تحلیل درستی نداشته باشیم نمی‌توانیم معیارها را به کار گیریم. به این معنی که بدون تحلیل درست یا در تشخیص معیارها به اشتباه می‌افتیم و یا در تطبیق معیارها با آرمان‌های مورد نظر راه خطا را در پیش می‌گیریم . بنابراین یک راه بسیار مهم در استفاده درست از معیارها، تحلیل صحیح از انسان ، نیازها ، شناخت‌ها و استعدادهای اوست؛ استاد علی صفایی در این زمینه چنین می‌فرماید:

هدف‌های بزرگ از عشق‌ها و هوس‌ها گرفته تا شهرت‌ها و زبان‌های مردم تا جلوه‌های پررنگ و آب دنیا همه کوچک‌تر از ما هستند، اینها برای ما بوده‌اند و ما برای آنها شده‌ایم با تحلیل‌ها انسان به ارزش خود پی می‌برد و به نیازهای عظیم خویش آشنا می‌شود و به هدف‌های بالاتری دست می‌یابد(عین صاد، ۱۳۹۳ش: ج۱، ۴۸).

بنابراین آرمان مطلوب باید بتواند«اهدافی را اعم از هدف اصلی و نهایی و هدف‌های واسط برای جامعه آرمانی تعیین کند که دارای مراتب باشند تا سهل‌الحصول‌تر بودن پاره‌ای از مراتب آنها شور و خواست و اراده را در مردم برانگیزد و آنان را به مبارزات اجتماعی و تغییر اوضاع و احوال موجود، مایل و راغب گرداند و از این گذشته عدم وصول به کمال مطلوب به این معنی نباشد که هیچ کاری انجام نشده است و هیچ پیشرفتی حاصل نیامده است»(مصباح یزدی، ۱۳۷۲ش: ۴۱۳).

آموزهٔ مهدویت این قابلیت را دارد که بالاترین هدف‌ها را برای جوانان ترسیم نمایند. امامان معصوم علیهم‌السلام با عباراتی مثل«طوبی لشیعتنا» جوانان را تشویق و ترغیب به ثبات قدم در دوران غیبت می‌نمایند و تاج«اولئک منا»را برای آنان تزئین می‌نمایند و نامه اعمال شیعیان را با مهر رضایت خویش آراسته کرده و با لفظ جلاله الله سوگند یاد کرده‌اند که آنان که هدف‌شان همسو با آرمان‌های مهدویت است در قیامت به همراهی با درجات اهل‌بیت مفتخر خواهند گشت.[1] بنابراین امام معصوم در این نوع از آموزه‌ها بالاترین مقامات ممکن برای انسان را به بهترین شیوه ترسیم نموده‌اند. البته ترسیم هدف متعالی در آموزه‌های مهدوی اختصاص به آخرت نداشته و برترین اهداف دنیوی را نیز در قالب ترسیم جامعه آرمانی به تصویر کشیده‌اند. برای نمونه می‌توان به امنیت فراگیر در تمامی عرصه‌ها، رفاه کامل اقتصادی، عدالت فراگیر و خانواده توحیدی سرشار از آرامش و نشاط در بستر عبودیت اشاره نمود(آیه ۵۵ سوره نور، و روایاتی که جهان پساظهور را سرشار از عدالت و قسط معرفی کرده‌اند به خوبی از عهده این ترسیم برآمده‌اند).

ب) قابلیت اجرایی

آرمان مطلوب در صورتی می‌تواند مورد توجه نسل جوان قرار گیرد که قابلیت اجرایی در سطح فرد و جامعه را داشته باشد. «آرمان مطلوب باید کاملاً واقع‌بینانه باشد و حقایق زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی را به هیچ روی از نظر دور ندارد و به دست فراموشی نسپارد»(مصباح یزدی، ۱۳۷۲ش: ۴۱۲). برخی از انسان‌ها هدف‌هایی بسیار متعالی، برای سعادت خود یا جامعه انتخاب می‌نمایند. در حالی که به قابلیت اجرایی آن نمی‌اندیشند. بر این اساس لازم است اهداف و آرمان‌ها، از حیث قابلیت اجرایی مورد ارزیابی قرار گیرند و برنامه‌های اجرایی آن آرمان‌ها با دقت بررسی شوند. به همین دلیل لازم است در کنار اهداف متعالی، قابلیت اجرایی اهداف و آرمان مورد نظر نمره مطلوب را کسب کرده باشد. آرمان مطلوب باید همراه با ارائه طریق باشد یعنی فقط جامعه آرمانی را تصویر نکند بلکه راه و روش رسیدن به آن را نیز نشان بدهد(همان). البته باید توجه داشت که لازم نیست؛ میزان این قابلیت در حد اعلی باشد. چه بسا آرمانی مهم و سرنوشت‌ساز بتواند از جهتی دیگر جامعه را تا

۱. حدثنا أحمد بن زياد ... عن يونس بن عبدالرحمن قال: دخلت على موسى بن جعفر... ثم قال طوبى لشيعتنا المتمسكين بحبلنا في غيبة قائمنا الثابتين على موالاتنا و البراءة من أعدائنا أولئك منا و نحن منهم قد رضوا بنا أئمة و رضينا بهم شيعة فطوبى لهم ثم طوبى لهم و هم و الله معنا في درجاتنا يوم القيامة(ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج۲، ۳۵۹).

حد قابل قبولی به سعادت نزدیک نماید. در این صورت عدم دست‌یابی صددرصدی به آرمان مورد نظر، مضر نیست؛ بلکه وجود چنین آرمانی برای پویایی و حرکت جامعه به سمت سعادت، مطلوب خواهد بود.

آنچه در امر قابلیت اجرایی سرنوشت‌ساز بوده و می‌تواند اثرگذار باشد؛ «نگاه و توقعات آرمانی است. این را به شما عرض بکنم، بعضی از آرمان‌های جوانان، اگر در چرخ و پر تحلیل و بررسی قرار بگیرد، چیزی از آن باقی نمی‌ماند؛ لیکن چون نگاه و توقع، نگاه آرمانی است، این مطلوب است. ممکن است دسترسی به یك آرمان میسر هم نباشد، اما رها کردن آن آرمان هم، جایز نباشد. لذا نگاه آرمانی شما و توقعاتی که ناشی از این نگاه هست، این برای ما مطلوب است؛ این را می‌خواهیم و باید باشد»(حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸ش: ج۲۸، ۲۷).

از یک سو مهدویت آرمانی ارزشمند و وعده خداوند متعال است و همه می‌دانیم که خداوند خلف وعده نمی‌کند. و از سوی دیگرخداوند این آرمان و دستیابی به آن را به عنوان یک تکلیف لازم‌الأجرا بر عهده بشریت نهاده است و خداوند تکلیفی را بیش از طاقت انسان بر عهده‌اش نمی‌نهد. نتیجه این‌که؛ در سایه اعتماد به وحی و عدم مخالفت با عقل است که این آرمان قابلیت اجرایی می‌یابد. بر این اساس نه تنها دستیابی به جامعه ایده‌آل از نظر عقلی و نقلی ممکن بوده و امری محال تلقی نمی‌گردد؛ بلکه با توجه به وعده و تکلیف خداوند، به صورت صددرصد در جامعه جهانی اجرا خواهد شد.

ج) آزادی بخش و آگاهی ساز

انسان در جستجوی شناخت و آزادی است. از این رو هر امری آگاهی‌سازی بیشتری داشته و قدرت آزادی‌بخشی فراوان‌تری داشته باشد، می‌تواند به عنوان معیاری برای تشخیص آرمان حقیقی قرار گیرد. البته باید شاخص‌ها طوری ارائه شوند که آزادی واقعی و شناخت واقعی را از غیرواقعی آنها تفکیک نمایند. اگر این معیار به خوبی تبیین نشود هر کسی تعریف خود از آزادی و شناخت را واقعی قلمداد خواهد نمود. بر این اساس لازم است معیار«شناخت مطابق با واقع» به روشنی در اختیار جوانان قرار گیرد تا بتوانند در سایه آن به راحتی آرمان‌های حقیقی را شناسایی نمایند. چنان‌که لازم است جوانان با معیار آزادی حقیقی آشنا بوده و از طریق آن به بالاترین آزادی دسترسی نمایند. «معیار برای شناخت گاهی علم حضوری است که در آن خود واقعیت بدون واسطه مفاهیم به صورت مستقیم درک می‌شود و گاهی علم بدیهی است که معیار آن هم به صورت غیرمستقیم به علم حضوری بازگشت می‌نماید. در علم حصولی هم

معیارهایی عقلانی برای واقعیات وجود دارد که باید با روشی علمی به آنها دست یافت. در مورد آزادی هم معیار آزادی معنوی و سعادت همیشگی است نه آزادی از هر قید و بند که به هرج و مرج منتهی می‌شود»(مصباح، ۱۴۰۰ش: ۳۰-۳۶).

بشر در دوران غیبت علیرغم پیشرفت شگرف علم و تکنولوژی؛ به شدت اسیر شهوات است. و این نوع اسارت از چشم بشر امروزی دور مانده است«عبد الشهوة أسیر لا ینفك أسره؛ بنده شهوات اسارتش پایانی ندارد»(آمدی، ۱۳۶۶ش: ۳۰۵) بر این اساس انسان‌ها اسیر شهوات هستند و از آن‌جا که فرموده‌اند هر که راهی غیر از راه امام طی کند هلاک می‌شود«السلام علیك یا سبیل الله الذی من سلك غیره هلك»(شهید اول، ۱۴۱۰ق: ۲۰۴) راه نجات از شهوات منحصرا در نزد اهل‌بیت و در زمان ما نزد حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است و بزرگ‌ترین و زیان‌بارترین شهوت ، شهوت خودپسندی و مخالفت با ولایت امام است. بنابراین تنها راه نجات منحصر در ولایت‌پذیری و دوری از شهوت خودبزرگ‌بینی است. از این‌جا می‌توانیم آرمانی بزرگ را برای بشریت ترسیم نمائیم. آرمانی که تنها در سایه معرفت امام زمان به انواع اسارت‌ها و راه رهایی از آنها شکل می‌گیرد. امام زمان، شیطان‌ها را می‌شناسد و بهترین تاکتیک مبارزه با آنها را در اختیار دارد و از جانب خداوند مؤظف است این تاکتیک‌ها و معرفت‌ها را در اختیار بشر بگذارد. بنابراین تنها راه رهایی از بند شهوات تمسک به حبل ولایت امام عصر علیه‌السلام است. و بدون این ولایت‌پذیری راهی برای نجات از زندان نفسانیات وجود ندارد. باید به دستور خداوند متعال گردن نهیم تا از اسارت نفس رهایی یابیم چرا که انسان یا باید بنده خدا باشد و یا بنده شیطان و اطاعت از امام عصر علیه‌السلام تنها راه رهایی از شیطان است. آری مدال حریت تنها زیبندهٔ تارک شهوات است«من ترك الشهوات کان حرا»(کراجکی، ۱۴۱۰ق: ج۱، ۳۴۹).

د) نظم و انسجام

نظم و انسجام گاهی درونی است و گاهی بیرونی، برای دستیابی به شاخص مناسب برای آرمان‌ها، لازم است مجموعه آرمان‌ها را از لحاظ هماهنگی و انسجام درونی و بیرونی مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم. مجموعه آرمان‌ها در راستای اهداف بلندمدت انسان، باید هماهنگی کامل داشته باشند. نمی‌شود انسان به مجموعه‌ای از آرمان‌ها پایبند باشد ولی آن آرمان‌ها با هم هماهنگ نباشند، به طوری که یکی از آنها انسان را به مقصود نزدیک کند و دیگری راه انسان را برای رسیدن به مقصود دور نماید. بر این اساس کسی که می‌خواهد آرمان‌هایش را به درستی انتخاب نماید لازم است هماهنگی مجموعه آرمان‌ها را با یکدیگر

ارزیابی نماید. به عبارت دیگر آرمان‌ها باید با یکدیگر، هم‌افزایی داشته باشند و انسان را در رسیدن به آرمان نهایی‌اش یاری نمایند. انسان یک آرمان نهایی دارد که برای دستیابی به آن آرمان نهایی، باید آرمان‌های متوسط و نزدیک‌تری را هم برای خویش ترسیم نماید. انسان برای دستیابی به معیار درست لازم است از هماهنگی آرمان‌های نزدیک و متوسط خویش با آرمان نهایی اطلاع دقیقی داشته باشد چرا که عدم هماهنگی در این امر مهم موجب گمراهی و سردرگمی انسان خواهد شد. استاد صفایی در این زمینه می‌فرماید:

> هماهنگی یک مکتب و فکر دلیل پختگی و سازمان یافتگی آن است(عین صاد، ۱۳۹۳ش: ج۱، ۲۰).

این هماهنگی و انسجام بدون داشتن نقشه جامعه آرمانی، امکان‌پذیر نیست. با توجه به نگاه به مجموعه نقشه است که می‌توان به هماهنگی و یا عدم هماهنگی آن حکم نمود. بدیهی است که؛ هماهنگی کامل تنها در سایه شناخت صحیح و واقعی از ابعاد گوناگون شخصیت انسان میسر است و این امر تنها در سایه حکمت وحی و امامت معنی می‌یابد. بنابراین آرمان مطلوب آرمانی است که از هماهنگی اجزای درونی و بیرونی برخوردار باشد.

هـ) وسعت و عمق

یکی دیگر از شاخصه‌های آرمان مطلوب، سطحی نبودن آن آرمان است. یک آرمان در صورتی می‌تواند مورد توجه جوانان قرار گیرد که از وسعت و عمق کافی برخوردار باشد. یک آرمان باید بتواند تمامی استعدادهای انسان را شکوفا نماید و برای این شکوفایی از روش‌های علمی و دقیق بهره بگیرد، تا بتواند استدلال‌هایی قوی و عمیق برای خود ارائه نماید. اگر آرمان‌های انسان سطحی باشند، نمی‌توانند در انسان انگیزهٔ کافی ایجاد نمایند. یک آرمان سطحی حتی نمی‌تواند حرکت و پویایی را برای انسان به ارمغان آورد. استاد صفایی می‌فرماید:

> کسی که خواسته‌اش دم دست است حتی از پاهایش استفاده نمی‌برد ولی اگر خواسته‌هایش دورتر شد بل می‌رود و راه می‌افتد و همین طور مرکب‌ها را استخدام می‌نماید و همین طور مرکب می‌سازد و حتی سفینه‌ها را به ماه می‌فرستد. توجه به ارزش‌ها و عظمت‌ها به انسان همت می‌دهد و همت‌ها او را به جریان می‌اندازد و استعدادهای مدفون او را بیرون می‌ریزد(عین صاد، ۱۳۹۳ش: ج۱، ۴۸).

عمیق بودن یک آرمان تنها از طریق وحی الهی فهمیده می‌شود. چرا که تنها، سازنده بشر است که از تمامی ابعاد و زوایای وجودی مصنوعش باخبر است. بنابراین تنها خداوند و یا

خلیفه اوست که می‌تواند آرمان‌های وسیع و عمیق را در اختیار بشریت قرار دهند«... اگر قوانین و اصول تربیتی ازخدای سرچشمه بگیرد نفوذ آن بر دل‌ها و افکار تا آن‌جا عمیق است که برای اجرای آنها افراد را برای هر نوع فداکاری و ازخود گذشتگی آماده می‌سازد»(هاشمی‌نژاد، ۱۳۴۷ش: ۲۲۳).

و) انسان‌سازی

یکی از شاخصه‌های آرمان مطلوب انسان‌ساز بودن آن آرمان است. چه بسا آرمان‌هایی بتوانند قدرت و ثروت را برای انسان به ارمغان بیاورند ولی موجب دوری انسان از مقام انسانیت شوند در چنین صورتی نمی‌توان چنین آرمان‌هایی را مطلوب دانست. مقام معظم رهبری در این خصوص چنین می‌فرمایند:

> یکی از این آرمان‌ها مسئلهٔ علم است؛ دومی عدالت‌خواهی است و آرمان سوم، آزاداندیشی و آزادی‌خواهی است(حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸ش: ج۲۵، ۲۹؛ ج۳۴، ۴۳).

جامعهٔ بدون آرمان، بدون مکتب، بدون ایمان، ممکن است به ثروت برسد، به قدرت برسد، اما آن وقتی هم که به ثروت و قدرت برسد، تازه می‌شود یك حیوان سیر و قدرتمند ـ و ارزش انسان گرسنه از حیوان سیر بیشتر است ـ اسلام این را نمی‌خواهد. اسلام طرفدار انسانی است که هم برخوردار باشد، هم قدرتمند باشد، و هم شاکر و بندهٔ خدا باشد؛ جبههٔ عبودیت بر خاک بساید. انسان بودن، قدرتمند بودن و بندهٔ خدا و عبد خدا بودن؛ این آن چیزی است که اسلام می‌خواهد؛ انسان بسازد، الگوی انسان‌سازی است. «وقتی انسان و جامعه تابع یك آرمان مشخص و معین شد و خوب و بد و زشت و زیبا و درست و نادرست با معیارهای معینی سنجیده شد، خواه ناخواه یک نظم اخلاقی به وجود خواهد آمد و تکلیف همه چیز روشن خواهد شد و در پرتو این نظام اخلاقی، انسان تبدیل می‌گردد به یك موجود پارسا و همین پارسایی است که مشکل‌گشای همه چیز است»(مطهری، ۱۳۷۸ش: ج۱، ۴۳۹).

نقش اندیشهٔ مهدویت در آرمان‌خواهی نسل جوان

۱. آرمان‌سازی در حوزه‌های مختلف

الف) حوزهٔ بینش‌ها

جوان با توجه به حس کنجکاوی‌اش در جستجوی مکتبی است که بتواند شناخت بیشتری را به او بدهد. مکتب مهدویت می‌تواند بهترین شناخت‌ها را در خصوص آفریدگار، انسان،

جهان هستی، رابطه انسان با خدا، رابطه او با انسان‌های دیگر ، موجودات دیگر و جهان دیگر ارائه دهد. یکی از بینش‌هایی که مکتب مهدویت به ما می‌دهد این است که قرار نیست با پایبندی به این آرمان از آرمان‌های پائین‌تر چشم‌پوشی نمائیم. «البته ما که چنان آرمان‌هایی داریم از آرمان‌های پائین‌تر چشم نمی‌پوشیم که حتی بدان‌ها هم شکل می‌دهیم. به لذت، ثروت و قدرت، شهرت، ریاست و به عدالت و آزادی و رفاه و به آگاهی و تکامل استعدادها به این همه جلوه بیشتر و عمق زیادتری خواهیم داد»(عین صاد، ۱۳۸۸ش: ج۲، ۱۸). این مکتب کامل‌ترین رهبر، کامل‌ترین دولت را تحت عنوان دولت کریمه، کامل‌ترین یاران و در یک کلام کامل‌ترین بینش‌ها را در تمامی عرصه‌های مختلف ارائه می‌دهد. بر این اساس شناخت دقیق آموزه مهدویت موجب تحول منطق آرمان‌خواهی نسل جوان خواهد شد. جوان می‌تواند در سایهٔ این آموزه به حیاتی برتر در حوزه شناخت‌شناسی دسترسی پیدا نماید. البته این امر به تنهایی برای جهت دادن به آرمان‌های یک جوان کافی نیست.

ب) حوزهٔ گرایش‌ها

مهدویت ظرفیت‌های بی‌نظیری دارد. این آموزه به خوبی می‌تواند حوزه گرایش‌های یک جوان را با تحولاتی بنیادین روبرو سازد. جوان براساس فطرت خویش به دنبال جذابیت، زیبایی‌خواهی، آرامش، نشاط، احساس رضایت‌مندی، ثبات قدم، بهداشت روانی، امید و شادی است. هر مکتبی بتواند این عناصر را به صورتی روش‌مند و در حد عالی تأمین نماید، جوانان را به سوی خود سوق داده است. شیخ صدوق در کتاب شریف ***کمال الدین*** به خوبی این ظرفیت را در ضمن روایتی گران‌مایه از امام کاظم علیه‌السلام نقل می‌نمایند:

> یونس بن عبدالرحمن می‌گوید بر امام موسی بن جعفر وارد شدم و به ایشان عرض کردم آیا قائم بر حق شما هستید؟ فرمودند بله من قائم بر حق هستم ولی آن قائمی که جهان را از لوث وجود دشمنان خداوند پاک می‌کند و آن را پر از عدل و داد می‌نماید پنجمین فرد از نوادگان من است شخصی که غیبتی طولانی خواهد داشت غیبتی که اقوامی در آن از دین خدا بر می‌گردند و اقوامی دیگر در آن ثابت قدم می‌مانند خوشا به حال شیعیان ماکه در آن غیبت به ریسمان ما اهل‌بیت چنگ می‌زنند و در آن غیبت طولانی بر ولایت ما ثابت قدم می‌مانند و از دشمنان ما بیزاری می‌جویند چنین شیعیانی از ما هستند و ما نیز از آنها هستیم آنها به امامت ما رضایت دادند و ما از آنها راضی هستیم خوشا به حال آنها، خوشا به حال آنها آنها در روز قیامت با ما و هم درجه با ما هستند(ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج۲، ۳۶۱، ح۳۴).

ج) حوزهٔ رفتارها

مکتب مهدویت می‌تواند در حوزه رفتارهای یک جوان نقش‌آفرینی کند. این آموزه می‌تواند سبک زندگی یک جوان را از یک رفتار جاهلانه به رفتاری عاشقانه تبدیل نماید. بدون مهدویت رفتارهای یک جوان رنگی از معرفت حقیقی ندارد. براساس روایت شیخ صدوق، شیعیان منتظر در زمان غیبت امام زمان علیه‌السلام و شیعیان مطیع در زمان ظهور از اولیای الهی محسوب می‌شوند.[1] بنابراین روایت اندیشه مهدویت قادر است روح انتظار را در کالبد خشکیدهٔ جوان آخرالزمانی بدمد. و سبکی نو و ملکوتی را برای زندگی در اختیار جوان، بگذارد. و این چنین است که حیاتی جدید در سایهٔ معرفت امام شکل می‌گیرد.[2] و این حیات نوین مرگی نوین را به جوانان نوید می‌دهد؛ چرا که انسان هرگونه زندگی کند همان‌گونه می‌میرد و هر گونه مرد، همان‌گونه مبعوث می‌شود. اگر جاهلانه زندگی کند جاهلانه می‌میرد و اگر در سایهٔ امام زندگی کند و زندگی‌اش را با سبک زندگی امام هماهنگ نماید، همچون امام خویش با دریایی از حیات و معرفت دنیا را مشتاقانه برای لقای حق ترک خواهد کرد.[3]

۲. تصحیح آرمان‌های اشتباه

اندیشهٔ مهدویت از آن‌جا که در بوستان عصمت شکل گرفته و هیچ عیب و نقصی ندارد قادر است آرمان‌های اشتباه یک جوان به بهترین شیوه ممکن تصحیح نماید. جوانی که در بوستان مهدویت نفس می‌کشد شامه‌ای پیدا می‌کند که با آن می‌تواند آرمان‌های تباهگر را شناسایی نماید. مهدویت از سویی آرمان‌های صحیح برای یک جوان را به خوبی ترسیم می‌نماید و از سویی دیگر انگیزهٔ کافی و لازم را برای این تصحیح در دل جوان ایجاد می‌نماید. البته نه اندیشه مهدویت و نه هیچ اندیشه‌ای نمی‌تواند اختیار را از انسان سلب نماید. چه بسا جوانی آرمان‌های واقعی را از طریق مهدویت به خوبی شناسایی کند. و از سوی این آموزه، انگیزه‌هایی قوی در او ایجاد شود. ولی به خاطر اختیار و راحت‌طلبی، رفتن به سوی قله را رها کرده و به

۱. «حدثنا المظفر بن جعفر بن المظفر العلوي السمرقندي رضي الله عنه قال حدثنا محمد بن جعفر بن مسعود و حيدر بن محمد بن نعيم السمرقندي جميعا عن محمد [بن] مسعود العياشي قال حدثني علي بن محمد بن شجاع عن محمد بن عيسى عن يونس بن عبدالرحمن عن علي بن أبي حمزة عن أبي بصير قال قال الصادق جعفر بن محمد في قول الله عزوجل يوم يأتي بعض آيات ربك لا ينفع نفسا إيمانها لم تكن آمنت من قبل أو كسبت في إيمانها خيرا يعني خروج القائم المنتظر منا ثم قال يا أبا بصير طوبى لشيعة قائمنا المنتظرين لظهوره في غيبته و المطيعين له في ظهوره أولئك أولياء الله الذين لا خوف عليهم و لا هم يحزنون»(ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ۳۳۳).

۲. «من مات و لایعرف‌إمامه، مات میتة جاهلیة»(کلینی، ۱۴۲۹ق: ج۳، ۵۸).

۳. «کما تعیشون تموتون و کما تموتون تبعثون و کما تبعثون تحشرون»(ابی جمهور، ۱۴۰۵ق: ج۴، ۷۲).

لذت‌های زود گذر دل بسپارد. بنابراین وظیفه مهدویت فراهم نمودن شرایط برای جهت دادن صحیح به آرمان‌هاست.

۳. حفظ و تثبیت آرمان‌های واقعی

اندیشه مهدویت علاوه بر آرمان‌سازی و تصحیح آرمان‌های اشتباه، از ظرفیت فراوانی برای حفظ و تثبیت آرمان‌های حقیقی برخودار است. یکی از مشکلات در عرصه‌های گوناگون آرمان‌خواهی فراموشی و از دست دادن آرمان‌های حقیقی از سوی نسل جوان است. گاهی مشاهده می‌شود که برخی از دشمنان آرمان‌های کاذب را در قالبی جذاب به جوانان ارائه می‌کنند و آنها را نسبت به آرمان‌های حقیقی مردد می‌نمایند. در مقابل افرادی که از آشنایی کامل با اندیشه مهدویت برخوردار بوده و در عمل پایبند به این اندیشه بوده‌اند، قرار دارند. آرمان‌های حقیقی برای پیروان این اندیشه به گونه‌ای ترسیم می‌شود که آنها به هیچ وجه حاضر نیستند دست از آرمان‌شان بردارند.این عاشقان حاضرند جان و تمام هستی خود را در راه آرمان واقعی فدا کنند. دقت در وقایع تاریخی نشان می‌دهد؛ تنها کسانی توانسته‌اند از آرمان‌های‌شان محافظت نمایند که در درس ولایت و امامت نمره عملی مناسبی گرفته‌اند و در مقابل کسانی که در این درس رفوزه شده‌اند، آرمان‌های‌شان را رها کرده و نتوانسته‌اند تا پایان از آرمان‌های‌شان محافظت نمایند. برای نمونه به چند مورد تاریخی اشاره می‌نمائیم: عمار بن یاسر از سابقین در ایمان و عقیده است که به خوبی توانسته است از آرمان‌های عقیدتی خود پاسداری و محافظت نماید وی به دلیل ولایت‌مداری‌اش حتی لحظه‌ای از حق روی بر نتافته است. حافظ جمال الدین أبی الحجاج یوسف المزی می‌گوید عمار در شمار نخستین ایمان آوردندگان به اسلام در مکه بود وی به همراه خانواده‌اش عذاب‌های فراوانی را از سوی مشرکان مکه به جان خرید و در تمامی جبهه‌ها در کنار رسول خدا ﷺ جانفشانی می‌کرد(یوسف المزی، ۱۴۲۱ق: ۴۳۳). البته در طول تاریخ امثال عمار یاسر کم نبوده‌اند. و همین یاران ولایت‌مدار بوده‌اند که ولایت اهل‌بیت را نشر و گسترش داده‌اند. افرادی مانند ابوذر، حجربن عدی، ابوحمزه ثمالی، زراره، ابن عمیر، عثمان بن سعید، قیس بن سعد و... که با تمسک به حبل ولایت از آرمان اصلی و حقیقی خویش با شیوه‌های گوناگون حفاظت نمودند. در مقابل هم افرادی بودند که در ابتدا آرمان ولایت‌مداری را در سر می‌پروراندند؛ ولی با جدایی از ولایت، والاترین آرمان‌شان را به دست شیطان سپردند و خسران دنیا و آخرت را برای خویش برگزیدند. طلحه، زبیر و زهری نمونه‌های بارز این خسران بی نهایت هستند(ر.ک:

احمدی میانجی، ۱۳۸۴ش: ج۱، ۷۵). براساس این سنت تاریخی، تنها مکتب مهدویت و ولایت است که می‌تواند در عصر غیبت از آرمان‌های واقعی انسان محافظت نماید. این امر به انسان می‌آموزد که شناخت و انتخاب آرمان واقعی کافی نیست؛ بلکه آرمان‌خواه واقعی، لازم است تا پای جان، ولایت‌مدار باقی بماند.

۴. رشد و ارتقاء آرمان‌های واقعی

دستیابی به آرمان‌های واقعی به نوبهٔ خود بسیار ارزشمند است. اما انسان نباید به ارزش‌های دسترس خود قانع باشد، بلکه لازم است همواره برای رشد و ارتقای دستاوردهای خود تلاش کند. اندیشهٔ مهدویت از ظرفیت‌های فراوانی برخوردار است. به این معنی که این اندیشه علاوه بر این‌که به خوبی می‌تواند آرمان‌های واقعی را در اختیار بشر قرار دهد؛ قادر است برترین نقش‌ها را در راستای رشد و ارتقای آرمان‌های واقعی ایفا نماید. رسیدن به ایمان حقیقی و حسن اسلام در گروی ولایت‌پذیری از حجت بالغه خدا در هر عصر است، بنابراین هر که در زمان ما می‌خواهد با ایمانی کامل و اسلامی نیکو به ملاقات خدا نائل شود، راهی به جز تمسک علمی و عملی به حضرت حجت، همان صاحب الزمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ندارد. امام معصوم علیه‌السلام در این خصوص چنین می‌فرماید:

و من أحب أن یلقی الله و قد کمل إیمانه و حسن إسلامه فلیتول الحجة صاحب الزمان المنتظر(مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج۳۶، ۲۹۶).

این روایت به ما می‌گوید تا ولایت حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف را نپذیری به قله ایمان و اسلام دسترسی پیدا نمی‌کنی به عبارت دیگر؛ مهم‌ترین آرمان تو که ایمان و اسلام است بدون ولایت امام عصر علیه‌السلام رشد و ارتقا پیدا نخواهد کرد.

نتیجه‌گیری

آرمانها به دو دسته حقیقی و کاذب تقسیم می‌شوند. جوان برای انتخاب درست در عرصه آرمان‌ها نیازمند شناخت معیارهای آرمان‌خواهی مطلوب است چرا که بدون معیاری دقیق راه دستیابی به آرمان‌های حقیقی بسته است. اندیشه مهدویت توانایی جهت دادن، شکل دادن و ارائه معیارهای دقیق را به طور کامل داراست. اما این امر نیازمند تبیین صحیح و دقیق از نقش اندیشه مترقی مهدویت در سه حوزه؛ بینشی، گرایشی و رفتاری است. این اندیشه می‌تواند در تصحیح آرمان‌های کاذب، محافظت از آرمان‌های واقعی و رشد و ارتقای آرمان‌های صحیح به خوبی ایفای نقش نماید. البته باید دانست که صرف تبیین نقش اندیشه مهدویت

در آرمان‌خواهی برای نیل به اهداف در این زمینه کافی نیست چرا که عوامل دیگری نیز در این خصوص دخیل هستند. عواملی مثل راحت‌طلبی، حب به دنیا و لذائذ زودگذر می‌توانند در رسیدن به اهداف متعالی در این بحث راهزن باشند. بنابراین عاشقان و منتظران حضرت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف لازم است عزم خود را برای دستیابی به برترین آرمان‌ها در حوزهٔ مهدویت جزم نموده و موانع موجود را از پیش رو بردارند و به هیچ وجه در این زمینه به کم قانع نباشند و همواره در جهت رشد و ارتقای آرمان‌های واقعی و جهت دادن به آنها کوشا باشند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن ابی جمهور، محمدبن زین الدین(۱۴۰۵ق)، ***عوالی اللئالی العزیزیة فی الأحادیث الدینیة***، تصحیح: مجتبی عراقی، قم: دار سیدالشهداء للنشر.

۲. ابن بابویه، محمدبن علی(۱۳۹۵ق)، ***کمال الدین و تمام النعمة***، مصحح: علی‌اکبر غفاری، تهران: اسلامیه.

۳. احمدی میانجی، علی(۱۳۸۴ش)، ***مکاتیب الأئمة*** علیهم‌السلام، تحقیق: مجتبی فرجی، قم: دارالحدیث، اول.

۴. امیرخانی، رضا(۱۳۹۸ش)، «بررسی تفاوت و تقابل آرمان‌خواهی در دو جامعه ایران و آمریکا در رمان‌های بیوتن و قیدار»، ***نشریه ادبیات پایداری***، سال یازدهم، شماره بیست و یکم.

۵. آمدی تمیمی، عبدالواحدبن محمد(۱۳۶۶ش)، ***تصنیف غررالحکم ودررالکلم***، تصحیح: مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۶. بیرو، آلن(۱۳۸۰ش)، ***فرهنگ علوم اجتماعی***، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان، چهارم.

۷. جعفری، محمدصابر؛ ملایی، حسن(۱۴۰۰ش)، ***درسنامه مهدویت راهبر***، تهران: دفتر معارف وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، اول.

۸. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی(۱۳۹۸ش)، ***سیاست از منظر آیت‌الله العظمی خامنه‌ای***، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

۹. سلمان ، محمد(۱۳۹۶ش)، ***آرمان شهر مهدوی در اندیشه اسلامی***، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول.
۱۰. شریعتمداری، علی(۱۳۸۲ش)، ***روان‌شناسی تربیتی***، تهران: امیرکبیر، شانزدهم.
۱۱. صفایی حائری، علی«عین صاد»(۱۳۸۸ش)، ***نقد مکتب‌ها ـ آرمان‌ها: آزادی***، قم: انتشارات لیلة القدر، سوم.
۱۲. صفایی حائری، علی«عین صاد»(۱۳۹۳ش)، ***نقد مکتب‌ها***، قم: انتشارات لیلة القدر.
۱۳. کراجکی، محمدبن علی(۱۴۱۰ق)، ***کنز الفوائد***، قم: دارالذخائر.
۱۴. کلینی، محمدبن یعقوب(۱۴۲۹ق)، ***الکافی***، قم: دارالحدیث.
۱۵. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی(۱۴۰۳ق)، ***بحارالانوار***، بیروت: دار أحیاء التراث العربی.
۱۶. مصباح یزدی، مجتبی(۱۴۰۰ش)، ***بنیادی‌ترین اندیشه‌ها ـ گزیده‌ای از مبانی اندیشه اسلامی***، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله، هفتم.
۱۷. مصباح یزدی، محمد تقی(۱۳۷۲ش)، ***جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن***، قم: سازمان تبلیغات اسلامی ، دوم.
۱۸. مطهری، مرتضی(۱۳۷۸ش)، ***یادداشت‌های شهید مطهری***، تهران: انتشارات صدرا، اول.
۱۹. مکی«شهید اول»، محمدبن(۱۴۱۰ق)، ***المزار فی کیفیة زیارات النبی و الأئمه*** علیهم‌السلام، مصحح: موحد ابطحی اصفهانی، قم: مدرسه امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه.
۲۰. هاشمی‌نژاد ، سیدعبدالکریم(۱۳۴۷ش)، ***مشکلات مذهبی روز***، تهران: انتشارات فراهانی، اول.
۲۱. الهی‌نژاد، حسین(۱۳۹۵ش)، ***مهدویت پژوهی؛ مسئله‌شناسی، معرفت‌شناسی و مبانی‌شناسی***، قم: بوستان کتاب، اول.
۲۲. یوسف المزی، جمال‌الدین أبی الحجاج(۱۴۲۱ق)، ***تهذیب الکمال فی أسماء الرجال***، مصححین: سهیل زکار، شیخ احمدعلی عبید، حسن احمد آغا، بیروت: دارالفکر.